

# حریم نخستین شغل



شورای بین‌المللی علوم اجتماعی اخیراً، به درخواست و با همکاری یونسکو، مطالعاتی را در مورد «وضعیت، امکانات و شکل زندگی جوانان» انجام داده است که پرمبانی برشش قرار دارد. این مطالعات در مورد شش کشور صورت گرفته است: دو کشور نسبتاً صنعتی (مجارستان و اسپانیا)، دو کشور نیمه صنعتی (هند و آرژانتین) و دو کشور نوآشنا با صنعت (سنگال و الجزایر). تخصصد جوان از چهار قاره مورد بررسی قرار گرفته‌اند و این مقاله بر پایه آن مطالعات نگاشته شده است.



Photo © Bernard Gerard, Paris



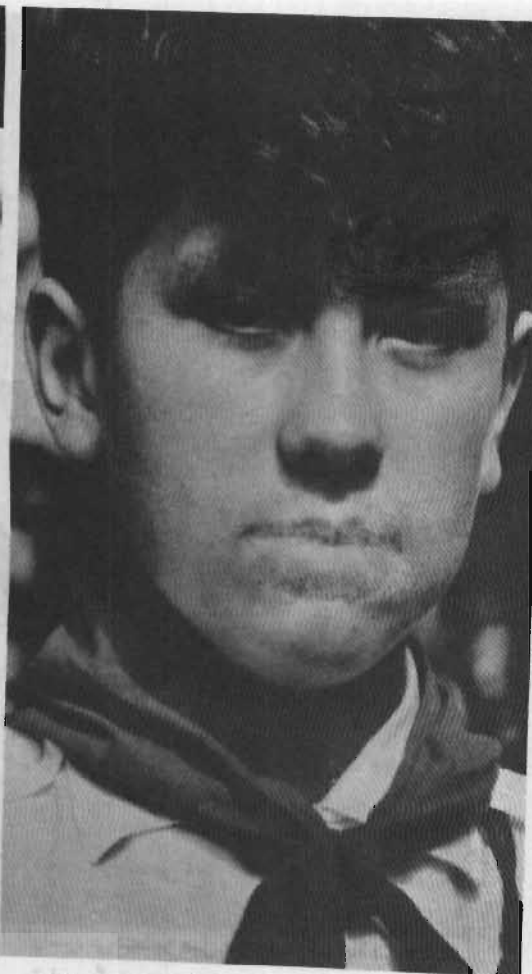
Photo Unesco

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جلیح علوم انسانی

نخستین شغل را دارند اندکند. و این بدان سبب است که اغلب این جوانان آشکار و نهان، و از سوی اشخاص با می‌شوند. اگرچه اغلب می‌توانند عیناً همان کاری را انجام دهند که کارمندان مسن و با تجربه انجام می‌دهند. بنابراین، یافتن شغل اقدامی مشکل و خطرناک است که همیشه با موفقیت همراه نیست. جوان با تحمل رنج از مؤسسه یا مدرسه معلومات فنی خارج می‌شود. در آنجا برایش ارزشی قائل بودند. اکنون در مرحله‌ای است که باید خود را از نو ارزیابی کند و از مزایای زحمات خود بهره‌مند شود. جوانانی که این نخستین شغل را که در آرزوی آن بودند، به دست نمی‌آورند باید با نخستین بیگاری دلیرانه مقابله کنند و نه در مدرسه و نه در خانواده هرگز برای این مقابله آماده نشده بودند. این بیگاری و برکناری که به دنبال آنهاست در آنها بحرانی برمی‌انگیزد که به موجب آن ارزشهای اجتماعی و فرهنگی پیشین را

برای جوانان امروزی، نخستین شغل نه تنها موجب درآمدی است که همیشه استمرار دارد، بلکه وسیله تثبیت آنان در فعالیتی است که به سبب آن حرفه‌ای و موجودیت خود را نیز حس می‌کنند و اعلام می‌دارند. این نخستین شغل، همچنین، باید به آنها اجازه دهد که از خود وجودی بسازند که بیگار و سربار خانواده و محکوم به فقر و تنگدستی به شمار نرود. از سوی دیگر، جوانان بخوبی درمی‌یابند که شاغل بودن به عنوان کارمند با کارگر نتیجه طبیعی یک دوره طولانی زیستن در جمع خانواده و مدرسه‌ای است که آنان را برای کار آماده کرده است. اما پیوستن جوانان به دنیای کار چندان هم آسان نیست. مشکلات کار، به دست آوردن آن را سخت می‌کند (در تمام کشورهای مورد مطالعه به استثنای مجارستان). بیشتر جوانان در پیدا کردن شغل حداقل مناسب با وضع خود، اگرچه با استعدادشان هم مناسب نباشد، با مشکل مواجه می‌شوند. کسانی که سعادت به دست آوردن سریع

Photo Dominique Roger, Unesco



مورد تردید قرار می‌دهند. این نوع از «نخستین مبارزه» آزمون مشترکی است برای اکثر جوانان کشورهای مورد مطالعه، خواه پسر یا دختر، به طوری که نمی‌گذارد طبیعت موانع و شکل جامعه‌ای که در محاصره آنهاست و خصوصیات واقعی این موانع از قبیل شخصیت، سن و جنسیت دلخواه به وضوح مورد مطالعه و شناخت قرار گیرد. با این ملاحظات، مطالعه نشان می‌دهد که دختران و کارجویان جوانتر و کسانی که معلوماتشان ناقص یا هیچ است بیش از دیگران با عدم توفیق مواجه می‌شوند. در واقع، به دست آوردن نخستین شغل بیشتر به بخت و اقبال، دوراندیشی خانواده، ایجاد «روابط» و کسب خبر از دیگران بستگی دارد. از سوی دیگر، داشتن گواهینامه یا تجارب اختصاصی نیرومند جزو خوبی برای ورود به دنیای کار است. به استثنای مجارستان که در آن معلومات کلاسیک تضمین بدست آوردن کار است (اگرچه مؤکداً همان کار دلخواه نباشد)، در دیگر کشورهای مورد مطالعه گزارشها در خصوص رابطه شغل و معلومات مبهم و اتفاقی است.

در اسپانیا، مثلاً، اطلاعات بدست آمده نشان می‌دهد که نظام تربیتی با نیازهای دایره اقتصاد و شغل مطابقت ندارد. در اروگوئه اکثریت جوانان مورد سؤال حکم می‌کنند که معلوماتی که در مدرسه به دست آورده‌اند کمتر از آن است که بتوانند با آن شغلی به دست آورند یا بتوانند مأموریتی را که به آنها واگذار می‌شود انجام دهند. به رغم این مطلب مشاهده می‌کنند که تمرین و تجربه [خارج از مدرسه] به آنها اجازه می‌دهد که استعدادهای تربیتی خود را پرورش دهند. به آنها یک شخصیت واقعی می‌بخشد و دایره روابط آنها را وسیع می‌کند. همچنین معتقدند که این تمرین و تجربه، گاهگاه، می‌تواند سیر آنها را به سوی ارتقا و پیشرفت آسان کند. مثلاً اجازه دهد که از مراحل کارگری به منصب کارمند دقتی برسند. در شش کشور مورد مطالعه، مجارستان نمونه خاصی است که، طبق ضوابط عمومی، با دیگر کشورها کاملاً مغایرت دارد. آموزش متوسطه و عالی، در این کشور خیلی

Photo Christian Zuber © Rapho, Paris



سریع با تحول بازار کار مطابقت پیدا می‌کند. بیکاری در آن مفهومی ندارد. اما کلاً اتفاق می‌افتد که طبقه‌بندی جوانان به مرد و زن موجب اولویت ارجاع شغل به آنها شود. در این کشور شرایط تسبانی محکمی میان دنیای آموزش و دنیای کار برقرار است: شرط اول این که با رعایت نسبی تجانس، ترازهای آموزشی از میان برداشته شود و شرط دوم این که میزان رضایت شخصی مستعدان بانوع شغلی که به آنان واگذار می‌شود رعایت شود و اختلاف استعداد میان کارمند و شغل از میان برخیزد. مسئله «بیش از حد واجد شرایط بودن» در هند و سنگال بسیار حاد به نظر می‌رسد. در این دو کشور بیشتر جوانان مورد استفسار حکم می‌کنند که معلومات عالیشان،



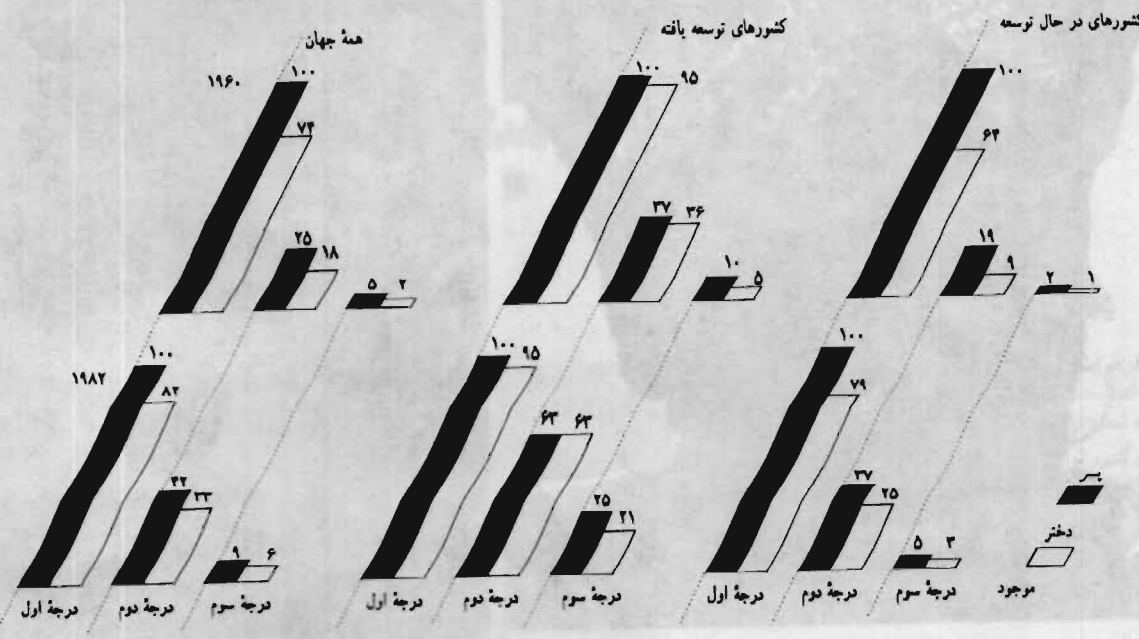
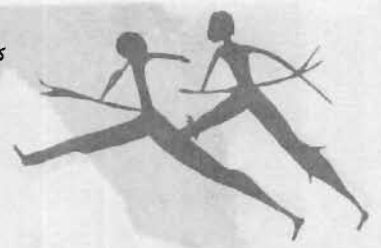
به نسبت شغلی که به آن اشتغال دارند یا در حالت بیکاری به آنان پیشنهاد می‌شود، برتری دارد و آن را به نظرشان پیش از حد آسان می‌کند. این وضع کسرا را در تراکم شهرهای بزرگ مشاهده می‌شود که در آنها ترقی نظام آموزشی به نمایش درآمده است. درخصوص کارگران جوان نیمه واجد شرایط شهرها باید گفت که بیشتر مایلند که وارد بخشهای غیررسمی اقتصادی شوند و این بخشها حتی در حوزه شهرها گسترش می‌یابند.

بررغم یک رشته آموزش عمومی، یک رشته معلومات اختصاصی اجازه می‌دهد که در حوزه معینی به دست آوردن شغل مورد جستجو آسانتر و میزان مزد، دلخواه‌تر شود. از این نظر پسران بر دختران برتری دارند. مثلاً در مجارستان، دانش‌آموزان مدارس فنی بیشتر پسر هستند، در حالی که دانش‌آموزان مدارس متوسطه بیشتر دخترانند. بنابراین، دختران در مجارستان معلومات عمومی بهتری کسب می‌کنند، اما پسران برای معرفی خود به بازار کار مجهزتر می‌شوند.

امکانات تحصیل یک رشته معلومات فنی، از نظر سبک، گاهی در یک کشور با کشور دیگر فرق می‌کند. در مجارستان این معلومات در کارگاههای مجهز و مخصوص آموخته می‌شود. اما در اروگوئه (فقط به منظور ذکر مثل) بسیاری از جوانان این معلومات را «روی تل خاک» فرا می‌گیرند، یعنی در مراکز کار و جایی که به عنوان شاگردی وارد آن می‌شوند، یا نزد پدر و مادرشان که دانسته‌های خود را به آنان می‌آموزند. اهمیت حرفه‌ای و قضایی یک چنین اختلاف سطحی آشکار است. علی‌الاصول، جوانان کارگر کشورهای صنعتی (در حدود مجارستان) از امتیاز پشتیبانی قضایی و اجتماعی برخوردارند و این امر موجودیت آنها را تثبیت می‌کند؛ و موقعیت آنان با جوانان کشورهای در حال توسعه، که حرفه خود را به طریق عملی فرا می‌گیرند، فرق دارد.

جوانان، به نسبت بزرگسالان، برای به دست آوردن یک شغل ثابت، گرفتاری بیشتری دارند. به قول خودشان، در سکوتشان چندین تفسیر نهفته است. از سوی دیگر بسیاری از کارفرمایان اشاره می‌کنند که جوانان بیش از دیگران در معرض تصادفات ناشی از کار قرار می‌گیرند یا می‌گویند که آنها جریان تولید را کند می‌کنند. بعضی حکم





تغییر هرم آموزش بر طبق جنسیت میان سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۲ (موجود مذکر از درجه اول = ۱۰۰)  
 مأخذ: مطالعه آماری در مورد آموزش در جهان از ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۲ یونسکو

همچنان که در هند و اسپانیا پرسشنامه‌های تهیه شده نشان دهنده این مطلب است. در یک اعتراف عادی، کارفرمایان پسران را بر دختران ترجیح می‌دهند و در داوری راجع به دختران حکم شایستگی کمتر می‌دهند، اگر چه آنان را هم طبقه با پسران وانمود می‌کنند. در عمل، دختران در مرحله فرودست‌تر قرار می‌گیرند و مزد بست دریافت می‌کنند و در محیط کار و پیشرفت نسبت به پسران همکار خود به طرز قابل ملاحظه‌ای محدود می‌شوند. اضافه بر این، چنان که پرسشنامه‌های تهیه شده در اسپانیا نشان می‌دهد، استخدام آنها همانند پیشرفشان منوط به میزان بسیار گسترده‌ای از صورت ظاهر جسمانی آنهاست.

اکثریت دختران و پسران مورد سؤال از پیوستنشان به دنیای کار سخن می‌گویند که با شیوه‌ای بسیار مثبت است، اما با این همه زمانی می‌رسد که اشتیاق اولیه بیش از کوشش و حرارت به سفسطه بدل شود و اضطراب و سرخوردگی در مقیاسی افزایش یابد که جست‌وجوی نخستین شغل را بسیار مشکل کند. همه جا، به استثنای مجارستان، این نخستین جست‌وجو غالباً به نخستین آزمون بیکاری می‌انجامد. یشماری کسانی که پس از چند بار جست‌وجوی جنّی و بی‌حاصل برای یافتن کار، باید موقتاً یا قطعاً تسلیم شرایط بیکاری شوند. پرسشنامه‌ها مخصوصاً در سنگال و در الجزایر (در کشور اخیر اکثریت جوانان بیکار هیچ معلوماتی ندارند یا از مرز تحصیلات ابتدایی فراتر نرفته‌اند) روشن می‌کنند که عدم معلومات حرفه‌ای یا وجود تحصیلات ناقص، به طرز جدی اجتناب‌ناپذیر، جرح اقتصاد را با بیکاری به عقب می‌راند. بی‌کار و بی‌آموز، این جوانان خود را دو چندان تبعیدی احساس می‌کنند. جدال برای زندگی پس از مرگ و شرایطی این چنین دشوار، اینان نه تنها از گذران مادی می‌هراسند بلکه از اینکه هویت خود را قلب شده می‌بینند، آشفته‌اند. در مقام نقل قول و بدین مقصود، نتیجه‌ای از میان نتایج دیگر، سرگرفته از پرسشنامه تهیه شده در الجزایر چنین است: «بی‌آنکه خواسته باشیم بیان کیفیت از بیکاری، ناکامی تحصیلی و جرایم مربوط به دوران جوانی به دست داده باشیم، با این وصف، می‌توان مشاهده کرد که جوانان ۶۰٪ جمعیت برکنار مانده (و ۳۷٪ جمعیت فعال) را تشکیل می‌دهند.»

بنابراین، برای جوانان امروزی، جست‌وجوی شغل،

کارهای کوچک خانوادگی، یا در کارگاههایی که فقط شکم آنان را سیر می‌کنند به کار مشغول می‌شوند. البته غیر دائم و بدون هیچ مزد. به ندرت اتفاق می‌افتد که مقاطعه‌کاران به جوانان پیشنهاد خدمت آزمایشی کنند تا از میزان معلوماتشان آگاهی پیدا کنند. و در چنین حالتی پیشنهادها آتقدر جانب توجه نیستند که ارزش روی کاغذ آوردن داشته باشند. وضعیت دختران جوان از این هم سخت‌تر است زیرا آنان معیار تحمل و تکرار بیشتر و سنگین‌تر رنجهایی هستند که پسران جوان طاقت تحمل آن را ندارند.

### برای ایجاد یک نظام دانشگاهی اروپایی

دانشجویان خارجی از فراگیری مفید آموزشی که در اختیارشان قرار می‌گیرد خودداری می‌کنند. از سوی دیگر، شرایط تحصیل در کشورهای مختلف CEE متفاوت است و جای آن بوده است که دانشجویان از این شرایط آگاه شده باشند. همچنین یکی از راه‌هایی که می‌توان بدان اندیشید تهیه دیپلم‌هایی «اروپایی» است که تنها به دوره سوم تحصیلی محدود نشود، بلکه به دوره‌های پیش از آن نیز شمول یابد به نحوی که مثلاً یک «تصدیق (با کالوریای) اروپایی» به وجود آید. برای عملی شدن این راه حل، یکی از اقدامات اولیه، آگاه کردن جوانان از حقوق و امکانات ایشان در جوار جوب CEE است. بنابراین، آموزش‌های ملی می‌بایست با سرشاری از آموزش اروپایی به کمال برسند و به مرحله یگانگی با این آموزش ارتقا یابند. در جهت این منظور بود که کنگره EGEE طرح COMET را پیشنهاد کرد، یعنی برنامه وسیع فراگیر در سطح کشورهای CEE که به وسیله کمیسیونهای این جامعه وجود آن تهیه و به وسیله آقای ساترلاند رئیس CEE، معرفی شد و صرفاً به منظور خدمات تربیتی به وجود آمد و طرح کتاب «تاریخ اروپا» به قصد تشریک مساعی در بیدار کردن ذهنیت اروپایی عرضه شد؛ کتابی که برای جوانان ده تا با نوزده ساله در نظر گرفته شده است.

می‌کنند که خدمت نظام در پسران و مادر شدن در دختران به حاصل کار زیان می‌رساند. بعضی دیگر، سرانجام، فکر می‌کنند که جوانان سرکش‌تر و معترض‌تر از کارگران بزرگسال، با سابقه هستند. به سبب مواجهه با پیش‌داوریه‌ها و برخورد های منفی، بسیاری از جوانان بدون قرار داد یا تأمین اجتماعی کار می‌کنند و سرانجام زیر سلطه نوعی اقتصاد موازی تباه می‌شوند. همچنین در اسپانیا و دیگر کشورهای مسورد مطالعه، جوانان اغلب به کارهای نیمه وقت یا موقت گماشته می‌شوند که مزد اندک دارند. یا در مقاطعه -

اروپا تنها یک مجتمع اقتصادی نیست و چنانچه به صورت ویژه‌ای بیگانه با ابعاد آموزشی باقی بماند، وحدت سیاسی به خطر می‌افتد. سخن کوتاه، ایجاد یک جمعیت فراگیر و جنّی اروپایی فوریّت دارد. این یکی از اساسی‌ترین توصیه‌های نخستین کنگره جمعیت‌های کل دانشجویان اروپایی (EGEE) است، یعنی مسجع مستشکل از دانشجویان مدارس بزرگ و دانشگاه‌های فرانسوی برای تقویت وحدت اروپا. این کنگره که از ۱۶ تا ۲۲ آوریل در پاریس تشکیل شد، بیش از ۴۰۰ دانشجوی اعزامی از کشورهای جمعیت اقتصادی اروپایی (CEE) را گرد هم آورده است. در نتیجه، اگر چه در CEE بعد از ۱۹۷۶ یک «برنامه اجرایی مواد آموزشی» که مخصوصاً بر توسعه مبادلات تربیتی و آموزشی صحه می‌گذارد، به وجود آمده است، اما موانع ملی همچنان موجود است. دانشجویان گرد آمده در این کنگره به‌بودگی هر اقدامی در مورد مصاد آموزشی را در محدوده معیارهای CEE تشخیص داده‌اند در CEE توسعه روشی برای بررسی دوره‌های تحصیلی و دیپلم‌ها مورد نظر بوده است. با اینهمه، اگر هم قواعد CEE بتوانند مثلاً ارزش حرفه‌ای جمیع دیپلم‌های پزشکی را تعیین کنند، عملاً هیچ تشکیلات گروهی مجازی وجود ندارد که خود به خود بتواند مدت زمان تحصیل و نوع دیپلم‌ها را مشخص کند. و به این سبب است که



جوان بیکار برتغالی در نمایندگی ملی شغل، تشکیلات عمومی مسئول اطلاعات، جهت‌یابی و جایگزینی در خواست‌کنندگان شغل در فرانسه.

است. اندکند کسانی که بخت بهره‌مندی از تعهدی اطمینانبخش و حمایتی اجتماعی دارند. همچنین بسیاری از جوانان، هنگامی که نمی‌خواهند قراردادهای ظالمانه را قبول کنند، خود را در جریان فعالیتهای اتفافی و ناپایدار قرار می‌دهند. مثلاً، بخشی که «غیر رسمی» یا «اقتصاد موازی» نامیده می‌شود به سرزمینهای دیگر کوچ می‌کنند به امید آنکه کار بهتری پیدا کنند. پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که دختران جوان و دیگر کارگران، در اکثر نمونه‌ها و مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه، اولین رده‌های مهاجر هستند که در کشور خود نه‌یابوری دیده‌اند نه تضمین و اعانه‌ای داشته‌اند.

در مورد ثبات شغل، این نکته محقق است که مقاطعه کاریهای بزرگ، آشکارا، مقاطعه کاریهای کوچک را بی‌هویت می‌کنند. جوانانی که در مقاطعه کاریهای بزرگ کار می‌کنند از یک قرارداد محکم و یک حمایت اجتماعی منتفع می‌شوند، و مقاطعه کاریهای کوچک معمولاً هیچ یک از این دو را در اختیارشان نمی‌گذارند. در بسیاری از کشورها مکرر دیده می‌شود که به اجبار ساعات کار روزانه جوانان بیشتر از بزرگسالان است و نظامنامه‌ای که می‌بایست تا زنده‌اند آنها را حمایت کند بی‌حرمت می‌شود.

به علت پایین بودن دستمزدها، جوانان نمی‌توانند زندگی مستقلی با شرایط قابل قبول تشکیل دهند. آنان به این نتیجه می‌رسند که مردشان با ضوابط حرفه‌ای مطابقت ندارد و کمتر از آن است و این امر بستیان ایجاد عدم رضایت در آنان است. علاوه بر این، شرایط کارشان غالباً خشن و غیر بهداشتی است. بسیار اتفاق می‌افتد که آنان را برای کارهای پر زحمت و خطرناک ذخیره می‌کنند؛ کارهایی که مستلزم خطرات ناشی از تصادفات کار است. ارتقا بسیار نادر است. و درجات و برتریهایی که در صحنه مقاطعه کاریها، پیشاپیش، در نظر گرفته شده است بر دوش جوانان سنگینی می‌کند به طوری که همیشه صاحبان این درجات را ضد شخصیت و حقوق خویش تلقی می‌کنند. و البته در این مرحله نیز مانند همه مراحل، باز دختران جوان هستند که بنامدهای و خشم را تحمل می‌کنند.

### آیا شغل به اندازه کافی پیدا خواهد شد؟

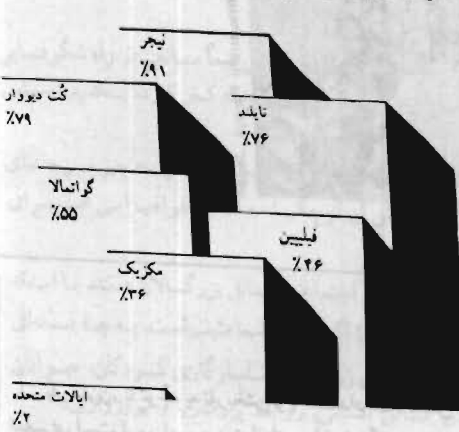
لرزم ایچله مشاغل تازه هر ساله تأکید می‌شود. افزایش سالانه شمار درخواست‌کنندگان شغل مبنی بر شمار متولدینی است که به ۱۵ تا ۲۰ سالگی می‌رسند. بنابراین، متولدین کنونی در خواست‌کنندگان مشاغل سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ خواهند بود. افزایش پیشبینی شده جمعیت جوان در منطقه شهری و روستایی از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰

منطقه شهری	منطقه روستایی
تمام کشورهای در حال توسعه	۲۰۰٪
افریقا	۸۳٪
آسیای جنوبی	۵۴٪
امریکای لاتین	۱۳٪

مأخذ: ارزیابی دایره جمعیت لوند ۱۹۸۰

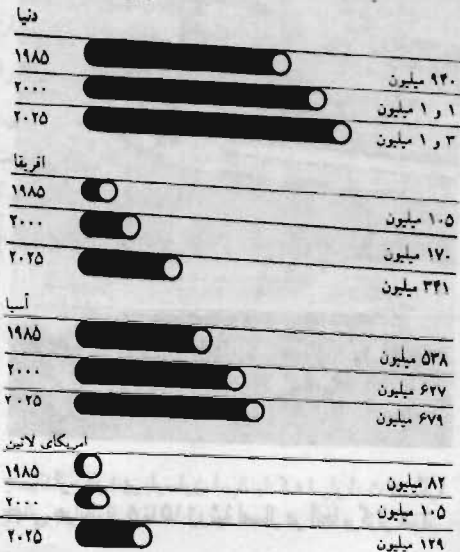
### کجا کار خواهند کرد؟

درصد جمعیت فعال شاغل در کشاورزی، ۱۹۸۰



### کجا زندگی خواهند کرد؟

جمعیت ۱۵ - ۲۴ سال



مأخذ: ارزیابی دایره جمعیت لوند

بخش بزرگی از جمعیت جهان در منطقه روستایی زندگی می‌کنند و به کشاورزی اشتغال دارند. اگرچه شمار مهمی از جوانان در بخشهای شهری زندگی می‌کنند، عدهٔ بیشتری هم هستند که به سوی کشاورزی بازمی‌گردند و این هنگامی است که از جست و جوی یک شغل دائمی خسته می‌شوند، عده‌ای هم از اینکه یک شغل فصلی پیدا کنند احساس خوشحالی می‌کنند. مثلاً، در بنگلادش هشتاد درصد جمعیت در منطقه روستایی زندگی می‌کنند و نیمی از آنها دهقانان بدون زمینند که به کار فصلی نزد مالکان زمین اشتغال دارند. مأخذ: بانک جهانی، گزارش در مورد توسعه جهانی ۱۹۸۴. تابلوها برگرفته از تازه‌های یونیسف است.

